

# مقایسه کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان در دانش‌آموزان کم‌شنوای شدید با دانش‌آموزان شنوا

\* آذر مهری<sup>۱</sup>، دکتر رضا نیلی‌پور<sup>۲</sup>، دکتر مسعود کریملو<sup>۳</sup>

## چکیده

**هدف:** با توجه به اینکه دانش‌آموزان کم‌شنوا از کنش‌ها و توانش‌های کاربردی کمتری برخوردارند، لذا پژوهش حاضر به مقایسه این جنبه‌های کاربردشناسی زبان در دانش‌آموزان مدارس باغچه‌بان با دانش‌آموزان شنوای مدارس شهر تهران می‌پردازد.

**روش بررسی:** تعداد ۷۰ دانش‌آموز کم‌شنوای دختر و پسر با افت شنوایی شدید (۹۰ - ۷۰ دسی‌بل) با میانگین معدل تحصیلی ۱۸ - ۱۵ در پایه‌های تحصیلی اول دبیرستان تا پیش‌دانشگاهی با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. سپس این دانش‌آموزان، با ۷۰ دانش‌آموز شنوای همگن از نظر جنس، پایه تحصیلی، نوع رشته تحصیلی و محله زندگی که بر اساس جورکردن انتخاب شده بودند مقایسه شدند. روش پژوهش مقایسه‌ای از نوع مقطعی بوده است. ابزار پژوهش عبارتند از: پرسشنامه و آزمون کنش‌ها و توانش‌های کاربردی (شامل: درک و بیان استعاره - درک و بیان ضرب‌المثل - درک کنش‌گفتارهای غیرمستقیم - درک استنباط معنی - انتخاب بهترین عنوان و درک جملات طنزآمیز). جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کروسکال والیس، من ویتنی یو، آزمون تی و تی زوجی استفاده شد.

**یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد که بین میانگین نمره کل کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان در دو گروه کم‌شنوا و شنوا تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $P < 0/05$ ). همچنین بین میانگین نمره کل کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان در گروه کم‌شنوا بین پایه‌های تحصیلی اول دبیرستان تا پیش‌دانشگاهی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $P < 0/05$ ). در صورتی که بین میانگین نمره کل کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان در گروه شنوا بین پایه‌های تحصیلی اول دبیرستان تا پیش‌دانشگاهی تفاوت معنی‌داری نیست ( $P < 0/05$ ).

**نتیجه‌گیری:** دانش‌آموزان کم‌شنوا نسبت به دانش‌آموزان شنوا توانش‌های کاربردی زبان را کمتر درک می‌کنند. همچنین در بافتها و موقعیت‌های مختلف قادر به استفاده مناسب از آن‌ها نیستند. **کلید واژه‌ها:** زبان / کاربردشناسی زبان / استعاره / ضرب‌المثل / کم‌شنوایی / گفتار

- ۱- کارشناس ارشد گفتار درمانی، عضو هیئت علمی دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی تهران
- ۲- دکترای زبانشناسی، استاد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- ۳- دکترای آمار حیاتی، استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۵/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۵/۷/۲۶

\* آدرس نویسنده مسئول:

تهران، خ انقلاب، پیچ شمیران، دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی تهران، گروه گفتاردرمانی  
تلفن: ۷۷۵۳۵۱۳۲ داخلی ۲۲۱

\* E-mail: Azar-mehri@yahoo.com



دانش‌زبانی دو بعد توانش (Competence) و کنش (Performance) زبانی را دربرمی‌گیرد. توانش زبانی، دانش ناخودآگاه سخنگویان یک زبان درباره معانی و دستور آن زبان و کنش زبانی، کاربرد زبان در زندگی روزمره یا در حقیقت همان گفتار می‌باشد (۱).

در زمینه دانش‌کاربرد زبانی که مبحث و پایه اصلی این پژوهش می‌باشد، مطالعات مختلفی صورت گرفته است و طبق آن، دیدگاه‌ها و نظرات متنوعی درباره کاربردشناسی زبان ارائه شده است. در یک تعریف، کاربردشناسی ترکیبی است که دانش چگونگی استفاده مناسب از زبان را در موقعیت‌های اجتماعی شامل می‌شود. اهداف کاربردشناسی شامل: به دست آوردن اطلاعات، برآوردن نیازها یا به اشتراک گذاشتن یک اندیشه و تفکر می‌باشد. در تئوری زبان‌شناسی، مطالعه کاربرد زبان، کاربردشناسی (pragmatic) نامیده می‌شود (۲).

از آن‌جا که معنی یک گفته به سادگی به وسیله معنی کلمات داخل جمله و روابط معنایی بین آن‌ها مشخص نمی‌شود، قسمتی از معنی، چیزی است که گوینده در ساختن یک گفته انجام می‌دهد و این دقیقاً وابسته به معنی لفظی جمله نیست، بلکه به زمینه و بافت (context) گفته بستگی دارد. جمله‌های مبهم (ambiguity) طنزآمیز (humour)، شوخی‌های زبانی، ضرب‌المثل‌ها، استعاره‌ها و معانی مجازی (nonliteral meaning) همه نمونه‌هایی از این دست هستند. مجموع آگاهی‌هایی که ما را در درک و کاربرد بیش از نیمی از جمله‌های دستوری زبان کمک می‌کند، کاربردشناسی زبان نام گرفته است (۳).

کارکردهای زبان بطور وسیعی با اقتضای سن افزایش می‌یابد و کودک به تدریج متوجه می‌شود که نیاز دارد توضیح بدهد، توصیف کند، مستقیم پاسخ دهد، دلیل بیاورد، فرضیه ارائه دهد، به علت موضوعی استناد کند و نتایجی را پیش‌بینی کند (تاف، ۱۹۷۷). با افزایش سن در دوران نوجوانی، نوجوان آگاه می‌شود که جنبه‌های ارتباطی متفاوتی وجود دارد و با توجه به نوع مخاطب، ارتباط تغییر می‌کند (بلیس، ۱۹۹۲). نوجوانان بزرگتر (در مقطع دبیرستان) زبان را به طور خلاقانه در سخنان کنایه‌دار (sarcasm)، شوخی‌ها، کلمات و جملات دومعنایی استفاده می‌کنند (شولتز، ۱۹۷۴). همچنین آنها به طور ارادی و خودکار از استعاره استفاده می‌نمایند (گاردنر، کیرچر، وینر و پرکینز، ۱۹۷۵) و می‌توانند رفتارهای پیچیده و پدیده‌های واقعی را توضیح دهند (ایلکیند، ۱۹۷۰) (۴).

مباحث اصلی پیرامون مسائل کاربردشناسی ارتباط شامل: بافت موقعیتی، بافت قصدمند، بافت شنونده و بافت زبانی می‌باشند (۵). در بافت موقعیتی، یک موقعیت ممکن است قسمتی از وقایع روزمره باشد

که حاکی از واقعه‌ای در حال اتفاق افتادن می‌باشد و معمولاً عنوانی دارد که شرکت‌کنندگان در مکالمه روی آن متمرکز می‌شوند. بسیاری از جملات عنوان خود را بیان نمی‌کنند اما یک عنوان ضمنی (implicature topic) و ناآشکار را با توجه به بافت به شنونده ارائه می‌دهند. بنابراین عنوان گفتمان عنوانی است که به دو یا بیشتر از دو گفته بسط داده می‌شود و دارای انسجام نحوی و معنایی مرتبط باهم می‌باشد. بافت دیگری که تحت تأثیر زبان است، بافت مربوط به نیات و مقاصد گوینده می‌باشد. گوینده به منظور رسیدن به یک سری اهداف خاص آن‌ها را بیان می‌نماید. در زمینه بافت شنونده کودک باید قادر باشند که نقطه نظرات دیگران را از بافت دریافت کنند. بعداهمین اطلاعات می‌تواند در استفاده مناسب از زبان به آن‌ها کمک کند. بافت زبانی نیز بعنوان یک سری از جملاتی است که به واسطه عنوان، چارچوب، موقعیت خاص زبانی و دانش مشترک گوینده و شنونده به همدیگر متصل شده‌اند. در بافت زبانی صرفاً به معنای لفظی کلمات و جملات پرداخته نمی‌شود بلکه سایر معانی نیز در نظر گرفته می‌شود (۶). استعاره و جملات کلیشه‌ای بخشی از دانش زبانی هر گوینده است که درک آن‌ها به پردازش جداگانه‌ای نیاز دارد و در واقع در معنی استعاره، و برای معنای لفظی آن‌ها و در حین استفاده از زبان باید در نظر گرفته شود (۷).

با توجه به مطالب فوق کودکان شنوا در طی رشد یاد می‌گیرند که سبک ارتباطی خود را با بافت مورد نظر متناسب کنند (جنبه کاربردشناسی) و درباره متناسب بودن چنین سبکی اندیشه نمایند. در صورتی که با توجه به شدت و نوع افت شنوایی، کودکان دارای آسیب شنوایی به طور واضح در درک گفتار دیگران دچار مشکلاتی هستند که به مشکلاتی در شناخت و یادگیری زبان منجر می‌شود و شواهد آن در ارتباطشان دیده می‌شود. این کودکان درک آموخته‌شده‌ای از ماهیت چندگانه ارتباط در انواع موقعیت‌های اجتماعی ندارند. بنابراین بنظر می‌رسد بسیاری از تفاوت‌های اجتماعی مکالمه که همیشه از طریق یادگیری ضمنی اتفاق می‌افتد در این کودکان نیازمند آموزش مستقیم و آشکار است (۸).

بر این اساس تحقیقات مختلفی در زمینه جنبه کاربردی زبان صورت گرفته است. از آن جمله پژوهشی است که در سال ۱۹۸۵ توسط شیرمر روی ۲۰ کودک ۳ تا ۵ ساله با کم‌شنوایی شدید تا عمیق بدون داشتن معلولیت دیگر انجام شد و مشخص گردید که کودکان کم‌شنوا در رشد کارکردهای زبان نسبت به کودکان شنوا تا حدودی دچار تأخیر هستند. این پژوهش با مطالعه کرتیس و همکارانش ۱۹۷۹ تا حدودی تفاوت دارد چراکه آنان عنوان نمودند که در شکل‌های رشدی اولیه ارتباطی، مقاصد مشابهی در بین کودکان شنوا و کم‌شنوا وجود دارد (۹).



در پژوهشی دیگر که در سال ۱۹۸۰ توسط پژوهشگران کالج گالات (Gallaudet) در واشینگتن در زمینه جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی، زبان، ارتباط و تحقیقات آموزشی افراد کم‌شنوای بالای ۱۰ سال صورت گرفت، مشخص گردید که افراد کم‌شنوا توانایی درک استعاره‌های زبان انگلیسی را دارند (۱۰). در پژوهشی دیگر که در سال ۱۹۸۰ توسط ایران‌نژاد در دانشگاه ایلینوی بر روی ۴۶ کم‌شنوای ۹ تا ۱۷ ساله انجام شد، مشخص گردید که برخلاف دیدگاه عمومی، این نوجوانان توانایی درک استعاره‌های موجود در داستان‌های کوتاه انگلیسی را دارند (۱۱). ریتنهوس در ۱۹۸۱ بر روی افراد کم‌شنوا و سخت‌شنوا مطالعاتی انجام داد و نشان داد که افراد کم‌شنوا تحت تأثیر استعاره‌های موجود در مکالمه قرار می‌گیرند (۱۲). وی همچنین در سال ۱۹۸۲ پژوهش دیگری را درباره درک استعاره در افراد کم‌شنوای ۱۰ ساله انجام داد و عنوان کرد که افراد کم‌شنوای مورد مطالعه وی توانمندی درک زبان استعاره را به شکل قاعده‌مند و منظم دارند (۱۳).

ریتنهوس و کنیون (۱۹۹۱) در تحقیق دیگری یادگیری استعاره‌های زبانی را در افراد کم‌شنوای ۱۹ - ۶ ساله مطالعه کردند و رابطه معنی‌دار مثبتی بین سن و یادگیری استعاره یافتند. همچنین اشاره کردند که استعاره به درجه کم‌شنوایی کودکان یا روش ارتباطی آنها ارتباط ندارد (۱۴).

متأسفانه در ایران در زمینه کاربردشناسی زبان و توانش‌های کاربردی چه در دانش‌آموزان شنوا و چه در دانش‌آموزان کم‌شنوا هیچ پژوهشی صورت نگرفته است. بنابراین با توجه به پژوهش‌های خارجی که در این زمینه تاکنون صورت گرفته است هدف اصلی این پژوهش، مقایسه برخی کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان در دانش‌آموزان کم‌شنوای دوره متوسطه تحصیلی مدارس باغچه‌بان با گروه دانش‌آموزان شنوای هم‌منطقه با آن‌ها در شهر تهران می‌باشد. فرضیات این پژوهش عبارتند از: بین میانگین نمره هریک از کنش‌ها و توانش‌ها در دانش‌آموزان کم‌شنوا در پایه‌های تحصیلی مختلف تفاوت وجود دارد. و نیز بین هریک از کنش‌ها و توانش‌ها در دو گروه کم‌شنوا و شنوا تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

#### روش بررسی

روش این پژوهش مورد - شاهدهی از نوع مقطعی است. جامعه آماری دانش‌آموزان کم‌شنوا و شنوای دوره متوسطه تحصیلی مدارس باغچه‌بان و مدارس عادی شهر تهران می‌باشد. در میان مدارس باغچه‌بان تمام ۶ مدرسه دخترانه و پسرانه که دارای دوره متوسطه تحصیلی بودند انتخاب شده و نمونه‌گیری هدفمند با در نظر گرفتن محدودیت‌های قابل کنترل

یعنی افت شنوایی شدید (۹۰ - ۷۰ دسی‌بل) و میانگین معدل ۱۸ - ۱۵ از چهار پایه تحصیلی صورت گرفت. در بین این دانش‌آموزان افرادی که دارای یک گوش با شنوایی شدید و گوش دیگر با افت شنوایی دیگر (متوسط یا عمیق) بودند، افرادی که کم‌شنوایی اکتسابی (قبل از سن زبان‌آموزی یا پس از سن زبان‌آموزی) داشتند و افراد دو معلولیتی از پژوهش حذف شدند. فرض بر این گذاشته شد که کم‌شنوایی که به دوره متوسطه راه می‌یابند و معدل ۱۸ - ۱۵ دارند، از هوش طبیعی برخوردارند. بدین ترتیب با در نظر گرفتن محدودیت‌های موردنظر ۷۰ دانش‌آموز (۱۷ پسر و ۵۳ دختر) از چهار پایه تحصیلی انتخاب شدند. از این تعداد، ۲۱ نفر در پایه تحصیلی اول دبیرستان، ۱۶ نفر در پایه دوم دبیرستان، ۲۶ نفر پایه سوم دبیرستان و ۷ نفر در پایه پیش‌دانشگاهی بودند (غیر از پایه پیش‌دانشگاهی که همگی دختر بودند، بقیه پایه‌ها شامل هر دو جنس دختر و پسر بودند). این دانش‌آموزان در رشته‌های تحصیلی هنرستان (فنی و حرفه‌ای) و کار و دانش شامل: کامپیوتر، گرافیک، طراحی و دوخت، فنای، رشته برق صنعتی و ساختمان تحصیل می‌کردند. با توجه به اینکه دانش‌آموزان کم‌شنوا از منطقه‌های مختلف شهر تهران در مدارس باغچه‌بان بودند، منطقه و محل زندگی آنان ملاکی برای انتخاب آزمودنی‌های شنوا در مدارس عادی بود. بنابراین گروه شاهد نیز با نمونه‌گیری هدفمند از دانش‌آموزان شنوا با توجه به جنس، پایه تحصیلی، رشته تحصیلی، منطقه و محله زندگی با گروه کم‌شنوا همگن شده (matching) و در مجموع تعداد ۱۴۰ دانش‌آموز انتخاب شدند که پس از توضیح روش و هدف مطالعه برای آنها و والدینشان رضایت آنها اخذ گردید. پس از مصاحبه و تکمیل پرسشنامه، آزمون کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان انجام شد. این آزمون شامل ۹ مقوله: درک تصویری استعاره، درک نوشتاری استعاره، بیان استعاره، درک نوشتاری ضرب‌المثل، بیان ضرب‌المثل، درک کنش گفتارهای غیرمستقیم، درک استنباط معنی، انتخاب بهترین عنوان (topic) و درک جملات طنزآمیز بود (۱۵). برای هر مقوله ۱۰ آیتم در نظر گرفته شد که غیر از بیان استعاره و بیان ضرب‌المثل، بقیه مقوله‌ها به صورت سئوالات چهارگزینه‌ای انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری اطلاعات، از نرم‌افزار اسپ.اس.اس برای تجزیه و تحلیل استفاده شد. روش‌های آماری مورد استفاده شامل آزمون‌های کولموگروف - اسمیرنوف، کروسکال والیس، من ویتنی یو، تی تست و تی زوجی بود. ابتدا جهت اثبات نرمال بودن توزیع کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد که با  $P < 0.05$  در برخی از

1 - metaphor picture test

2 - written metaphor test

3 - proverb metaphor test

4 - indirect speech acts

5 - comprehension inferred meaning

6 - appreciating of humour



تحصیلی مختلف با  $P = 0/05$  تفاوت معنی دار وجود ندارد.

– بین دانش‌آموزان کم‌شنوا در درک جملات طنزآمیز در پایه‌های تحصیلی مختلف با  $P = 0/05$  تفاوت معنی دار وجود دارد. این تفاوت معنی دار بین پایه‌های تحصیلی اول و دوم، اول و پیش‌دانشگاهی است.

– بین دانش‌آموزان کم‌شنوا در نمره کل کنش‌ها و توانش‌ها در پایه‌های تحصیلی مختلف با  $P = 0/05$  تفاوت معنی دار وجود دارد و این تفاوت معنی دار در پایه‌های اول و پیش‌دانشگاهی، سوم و پیش‌دانشگاهی می‌باشد. با توجه به تعداد زیاد جداول در این قسمت، از ارائه آنها خودداری شده و صرفاً جدول (۱)، به عنوان نمونه ارائه شده است.

برای بررسی این فرض که بین دانش‌آموزان شنوا در پایه‌های تحصیلی مختلف در میانگین نمره هریک از توانش‌ها تفاوت وجود دارد یا خیر، یافته‌های زیر بدست آمد:

– بین دانش‌آموزان شنوا در درک نوشتاری استعاره، درک تصویری استعاره، بیان استعاره، بیان ضرب‌المثل، درک کنش گفتارهای غیرمستقیم، درک استنباط معنی، انتخاب بهترین عنوان، درک جملات طنزآمیز و نمره کل کنش‌ها و توانش‌ها در پایه‌های تحصیلی مختلف با  $P = 0/05$  تفاوت معنی دار وجود ندارد. به عنوان نمونه در جدول (۲) درک کنش گفتارهای غیرمستقیم در دانش‌آموزان شنوا در پایه‌های تحصیلی مختلف ارائه شده است.

– بین دانش‌آموزان شنوا در درک نوشتاری ضرب‌المثل در پایه‌های تحصیلی مختلف با  $P = 0/05$  تفاوت معنی دار وجود دارد و این تفاوت بین پایه‌های اول و دوم، اول و سوم، دوم و پیش‌دانشگاهی می‌باشد.

در بررسی این فرض که بین هریک از کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان در دو گروه کم‌شنوا و شنوا تفاوت معنی دار وجود دارد، نمودار شماره (۱) ارائه می‌گردد. با توجه به این نمودار و مقایسه میانگین نمرات کسب‌شده در هر آزمون در دو گروه، با انجام آنالیزهای آماری، در کلیه توانش‌ها با  $P = 0/05$  در دو گروه شنوا و کم‌شنوا تفاوت معنی دار است (نمودار ۱).

متغیرهای زبانی در گروه‌های کم‌شنوا و شنوا نرمال بودن توزیع متغیرها رد شد که در آن‌ها از آزمون‌های غیرپارامتری استفاده شد. همچنین اعتبار (reliability) آزمون با آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد و با  $\alpha = 0/92$  این آزمون قابلیت تکرار دارد.

#### یافته‌ها

فرض بر این بود که بین میانگین نمره هریک از کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان در دانش‌آموزان کم‌شنوا در پایه‌های تحصیلی مختلف تفاوت وجود دارد. در بررسی این فرضیه، یافته‌های زیر بدست آمد:

– بین دانش‌آموزان کم‌شنوا در درک نوشتاری استعاره در پایه‌های تحصیلی مختلف با  $P = 0/05$  تفاوت معنی دار وجود دارد. این تفاوت معنی دار بین پایه‌های تحصیلی اول و پیش‌دانشگاهی، سوم و پیش‌دانشگاهی می‌باشد.

– بین دانش‌آموزان کم‌شنوا در درک تصویری استعاره در پایه‌های تحصیلی مختلف با  $P = 0/05$  تفاوت معنی دار وجود دارد. این تفاوت معنی دار بین پایه‌های تحصیلی اول و پیش‌دانشگاهی می‌باشد.

– بین دانش‌آموزان کم‌شنوا در بیان استعاره در پایه‌های تحصیلی مختلف با  $P = 0/05$  تفاوت معنی دار وجود دارد. این تفاوت معنی دار بین پایه‌های تحصیلی اول، دوم، سوم و پیش‌دانشگاهی می‌باشد.

– بین دانش‌آموزان کم‌شنوا در درک نوشتاری ضرب‌المثل در پایه‌های تحصیلی مختلف با  $P = 0/05$  تفاوت معنی دار وجود دارد. این تفاوت معنی دار بین پایه‌های تحصیلی اول و پیش‌دانشگاهی می‌باشد (جدول ۱).

– بین دانش‌آموزان کم‌شنوا در بیان ضرب‌المثل در پایه‌های تحصیلی مختلف با  $p = 0/05$  تفاوت معنی دار وجود ندارد.

– بین دانش‌آموزان کم‌شنوا در درک کنش گفتارهای غیرمستقیم در پایه‌های تحصیلی مختلف با  $P = 0/05$  تفاوت معنی دار وجود ندارد.

– بین دانش‌آموزان کم‌شنوا در درک استنباط معنی در پایه‌های تحصیلی مختلف با  $P = 0/05$  تفاوت معنی دار وجود ندارد.

– بین دانش‌آموزان کم‌شنوا در انتخاب بهترین عنوان در پایه‌های

جدول ۱- مقایسه میانگین نمره درک نوشتاری ضرب‌المثل در دانش‌آموزان کم‌شنوا به تفکیک پایه‌های تحصیلی

P-value	درجه آزادی	آزمون F	انحراف معیار	میانگین نمره درک نوشتاری ضرب‌المثل	تعداد	شاخص‌های آماری
0/025	3	3/32	2/65	4/14	21	اول
			2/99	5/06	16	دوم
			2/36	5/30	26	سوم
			2/43	7/71	7	پیش‌دانشگاهی
			2/74	5/14	70	کل



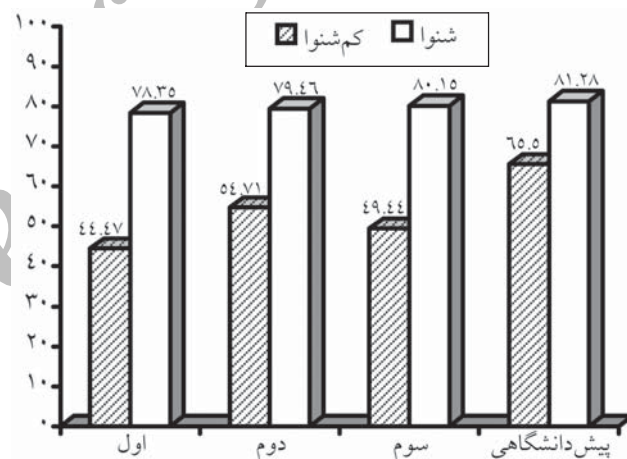
جدول ۲- مقایسه میانگین نمره درک‌کنش گفتارهای غیرمستقیم در دانش‌آموزان شنوا به تفکیک پایه‌های تحصیلی

P-value	درجه آزادی	آزمون F	انحراف معیار	میانگین نمره درک‌کنش گفتارهای غیرمستقیم	تعداد	شاخص‌های آماری	
						اول	پایه‌های تحصیلی
۰/۳۷	۳	۳/۱۳	۱/۸۴	۸/۷۶	۲۱	اول	پایه‌های تحصیلی
			۰/۶۸	۸/۹۳	۱۶	دوم	
			۱/۰۷	۸/۹۶	۲۶	سوم	
			۰/۵۳	۹/۵۷	۷	پیش‌دانشگاهی	
			۱/۲۵	۸/۹۵	۷۰	کل	

می‌باشد. بدین معنی که با افزایش سن و پایه تحصیلی این دانش‌آموزان، به مراتب تعاملات و برخوردهای اجتماعی آنان افزایش یافته و در موقعیت‌ها و بافت‌های مختلف اجتماعی و تحصیلی با مفاهیم انتزاعی بیشتری مواجه شده‌اند. نتیجه این قسمت از پژوهش با تحقیق رتینهوس و کنیون (۱۹۹۱) مطابقت دارد که یادگیری استعاره را در کم‌شنوایان ۱۹-۶ ساله مورد مطالعه قرار داده و نتیجه گرفته بودند که بین سن و یادگیری استعاره ارتباط معنی‌داری وجود دارد (۱۴). بنابراین در پژوهش حاضر نیز توانش‌هایی چون استعاره، ضرب‌المثل و درک جملات طنزآمیز با افزایش سن، افزایش یافته‌اند. از سوی دیگر با بررسی کنش‌ها و توانش‌های دانش‌آموزان کم‌شنوای پایه تحصیلی اول دبیرستان ملاحظه می‌گردد که قادر به درک تقریباً نیمی از استعاره‌ها و ضرب‌المثل‌ها بوده‌اند و این بخش از تحقیق با پژوهش‌های صورت گرفته بوسیله پژوهشگران کالج گالادت (۱۹۸۰)، پژوهش ایران‌نژاد در دانشگاه ایلینوی (۱۹۸۰) و پژوهش رتینهوس (۱۹۸۲) مطابقت دارد که در مجموع این پژوهش‌ها اظهار می‌کنند که دانش‌آموزان کم‌شنوا قادر به درک استعاره‌های زبان خود می‌باشند (۱۰، ۱۱، ۱۳).

با مقایسه میانگین نمره‌های هر یک از کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان در دانش‌آموزان شنوا در پایه‌های تحصیلی اول تا پیش‌دانشگاهی ملاحظه می‌شود که فقط در درک نوشتاری ضرب‌المثل بین پایه اول و دوم، اول و سوم، دوم و پیش‌دانشگاهی تفاوت معنی‌دار وجود دارد و در سایر موارد بین پایه‌های تحصیلی اول تا پیش‌دانشگاهی تفاوت معنی‌دار نیست. با بررسی کلی می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که یادگیری کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان در افراد شنوا تا پایه تحصیلی اول متوسطه (یعنی حدود سن ۱۶ - ۱۵ سالگی) صورت گرفته است. این موضوع با دیدگاه شولتز (۱۹۷۴) مطابقت دارد که اظهار می‌کند نوجوانان بزرگتر (در مقطع دبیرستان) زبان را به طور خلاقانه در سخنان کنایه‌دار، شوخی‌ها، کلمات و جملات دومعنایی استفاده

نمودار ۱- مقایسه میانگین نمره کل کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان در دو گروه کم‌شنوا و شنوا به تفکیک پایه‌های تحصیلی



لازم به ذکر است که به علت یکسان نبودن حجم نمونه برای دو جنس دختر و پسر در پایه‌های تحصیلی مختلف و محدودیت‌های پژوهش، مقایسه بین دو جنس صورت نگرفته است.

#### بحث

همان‌گونه که در یافته‌های پژوهش ملاحظه می‌شود در بین کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان در دانش‌آموزان کم‌شنوا بین پایه‌های تحصیلی مختلف، در درک نوشتاری استعاره، درک تصویری استعاره، بیان استعاره، درک نوشتاری ضرب‌المثل، درک جملات طنزآمیز و نمره کل کنش‌ها و توانش‌های کاربردی تفاوت معنی‌دار است. با بررسی جداول و نمودارهای بدست آمده ملاحظه می‌شود که در تمام کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان در دانش‌آموزان کم‌شنوا نمره میانگین‌ها از پایه اول تا پیش‌دانشگاهی روند رو به افزایش داشته است. این موضوع نشان‌دهنده تأثیر آموزش و محیط اجتماعی در کسب این توانش‌ها



در مجموع آنچه قابل استنباط است این که کم‌شنوایان نسبت به شنوایان در جنبه کاربردشناسی زبان تأخیر دارند.

### نتیجه‌گیری

دانش آموزان کم‌شنوا نسبت به دانش آموزان شنوا، توانش‌های کاربردی زبان را کمتر درک کرده و بیان می‌کنند. بدین معنی که ممکن است کم‌شنوها بتوانند با توجه به بافت زبان یا بافت موقعیتی منظور گوینده را متوجه شوند ولی خود قادر به بیان این توانش‌ها یا استفاده مناسب از آنها در موقعیت خاص نیستند.

### تشکر و قدردانی

از تمامی دانش‌آموزان و والدین و مسئولین محترم مدارس و کلیه عزیزانی که ما را در انجام این مطالعه یاری نمودند کمال تشکر را داریم.

می‌کنند (۲). همچنین این افراد به طور ارادی و خودکار از استعاره استفاده می‌کنند (گاردنر، کیرچر، وینر و پرکینز ۱۹۷۵). اونز (۱۹۹۶) نیز در رشد کاربردشناسی زبان چنین بیان می‌کند که کودکان در سنین ۱۸ - ۱۵ سالگی، برخی از ضرب‌المثل‌ها را درک می‌کنند، از طنز و کنایه و کلمات دومعنایی (مبهم) استفاده کرده و به طور ارادی و خودکار استعاره‌هایی را به کار می‌برند (۴).

با مقایسه میانگین نمره‌های هریک از کنش‌ها و توانش‌های کاربردی زبان در دو گروه کم‌شنوا و شنوایی می‌بینیم که در کلیه کنش‌ها و توانش‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به خصوص در قسمت بیان استعاره و بیان ضرب‌المثل این تفاوت‌ها بسیار قابل ملاحظه می‌باشد. این بدان معنی است که دانش‌آموزان کم‌شنوا در این جنبه از زبان نسبت به دانش‌آموزان شنوا تأخیر دارند. با توجه به پژوهش شیرمر (۱۹۸۵) و با توجه به پژوهش‌های مختلف انجام شده در جنبه‌های مختلف زبان،

منابع:

- ۱- فالک، ج. اس. ترجمه غلامعلی زاده، خ. زبان‌شناسی و زبان (بررسی مفاهیم بنیادی)، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۳۵: ۱۳۷۲ - ۳۲
- 2- Bates E. Language and Context. New York, Academic Press, 1976.
- ۳- نیلی‌پور، ر. «زبان‌شناسی و آسیب‌شناسی زبان»، چاپ اول، تهران، انتشارات هرمس، ۵۹: ۱۳۸۰ - ۵۸
- 4- Owens R E. Language Development: An Introduction. Forth Edition, Allyn Bacon publishers, 1996: 345 - 346, 355 - 357.
- 5- Mc Tear M F, Rumsden G C. Pragmatic Disability in children. London, whurr publishers LTD, 1992: 20
- 6- Lund N J, Duchan J F. Assessing children Language in Naturalistic Contexts. Newjersey, prentice - Hall, INC. 1983: 42 - 56
- 7- Kittay E F. Metaphor (Its Cognitive Force and Linguistic Structure), Oxford, Claredon press, 1987: 97
- 8- Bench R J. Communication skills in Hearing - impaired children, London, whurr publishers, 1992: 21 - 22
- 9- Bishop D, Mogford k. Language Development in Exceptional Circumstances. USA, Lawrence Erlbaum Associates publishers, 1993: 123 - 124
- 10- Gallaudet Coll, Recent, Current and Projected Research at Gallaudet, Directions, 1980; 1(3):1-20
- 11- Iran - Nejad A, et al. The Comprehension of Metaphorical uses of English by Deaf children, Technical Report, N. 184
- 12- Rittenhouse RK, et al. Metaphor Conservation in Deaf and Hard - of - Hearing children, American - Annals - of - the - Deaf 1981; 126(4): 450 - 53
- 13- Rittenhouse RK, Stearns K. Teaching Metaphor to Deaf children, American - Annals - of - the - Deaf 1982; 127(1): 12 - 17
- 14- Rittenhouse R K, Kenyon PL. Conversation and Metaphor Acquisition in Hearing - Impaired children, American - Annals - of - the - Deaf 1991; 136( 4): 313 - 20
- 15- Bryan V. The Right Hemisphere Language Battery, Second Edition, London, publishers LTD, 1995.